



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# کتابی بی نام بانامی تازہ

محمد محیط طباطبائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# کتابی بی نام با نامی تازه

نویسنده:

محمد محیط طباطبائی

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	کتابی بی‌نام با نامی تازه
۶	مشخصات کتاب
۶	کتابی بی‌نام با نامی تازه
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## کتابی بی‌نام با نامی تازه

## مشخصات کتاب

مؤلف: محمد محیط طباطبایی

سایت بهایی پژوهی

برگرفته از:

## کتابی بی‌نام با نامی تازه

پرفسور ادوارد برون خاور شناس انگلیسی، در سال ۱۳۲۸ هجری، مطابق سال ۱۹۱۰ میلادی، کتابی را، در جزو سلسله انتشارات گیب، انتشار داد که بر نخستین صفحه آن چنین نوشته شده بود «کتاب نقطه‌ی الکاف در تاریخ باب و وقایع هشت سال اول از تاریخ بایبه تألیف حاجی میرزا جانی کاشانی مقتول در ۱۲۶۸ هجری». پیش از این که کتاب مزبور در دسترس عموم قرار گیرد، در فهرست آثار بایبه، هرگز کتابی به نام نقطه‌ی الکاف شناخته نشده بود و کتابی که مشتمل بر سرگذشت حوادث هشت ساله بایبان بود و نسخه‌هایی از آن در دسترس افراد خاصی دیده می‌شد به نام معینی خوانده و به نویسنده، مشخص منسوب نمی‌شد تا این که مصلحت و مراعات اولیای امور دولت قاجاریه که در آن کتاب با صفات و الفاظ و دعا‌های زشت یاد شده بودند و وجود برخی تفصیلات زیان آور، مانند واقعه بدشت که حتی مورد تقیح برخی از سران بایبه هم قرار گرفته بود و لزوم حذف یا تلخیص و یا تبدیل و تفصیل آنها از طرف برخی از بایبان، چنین اقتضا می‌کرد که این کتاب را از برخی مطالب بیبرایند و به جای آنها چیزهای تازه‌ای که باب روز باشد بگذارند و به همین مناسبت آن را تاریخ جدید نامیدند در مقابل تاریخ قدیم. از قرار معلوم این کار در دهه دوم از قرن سیزدهم هجری صورت گرفت و تاریخ جدید بدین کیفیت ساخته و پرداخته شد و شخصیت نویسنده آن هم برای احباب و اغیار یا دوست و بیگانه شناخته نبود و بنا به نوشته میرزا ابوالفضل (از داعیان بایبه که بعد از تجزیه بایبه به ازلی و بهایی او به بهاییان پیوست) در رساله‌ای که به نام عزیزالله یهودی مشهدی نوشت و بعدها آن را به نام الکساندر تومانسکی خاورشناس روسی «اسکندریه» نامید می‌گوید که برخی نویسنده این کتاب تازه را خود میرزا ابوالفضل گلپایگانی و برخی مانکجی هاترایای گجراتی زردشتی می‌دانستند در صورتی که برخی از بایبان هم آن را به نام شیخ محمد قاینی معروف به نبیل قاینی، تاریخ نبیل می‌خواندند. اما خود نبیل قاینی در تصحیح و تنقیحی که از این کتاب جدید در سال ۱۳۰۳ قمری کرده و به خط خود نوشته و امضای او در آخرش موجود است به نام مؤلف تلخیص ابداً اشاره‌ای نکرده و در حواشی آن برخی مطالب تازه افزوده است. تاریخ نبیل قاینی که هفتاد سال پیش از این مورد استفاده مؤلف کتاب حق المبین در همدان قرار گرفته و از آن مطلبی نقل کرده بود، چند سال قبل به سعی بعضی از خیر اندیشان برای یکی از کتابخانه‌های عمومی ایران خریداری شد. میرزا ابوالفضل گلپایگانی، میرزا حسین همدانی غیر معروف را مؤلف کتاب می‌داند و می‌گوید که به دستور و راهنمایی و احیاناً املائی مانکجی زردشتی آن را نوشته است. در نسخه‌ای از این کتاب که متعلق به مانکجی بوده و از طهران به هند برده است بیست و پنج سال پیش در کتابخانه مؤسسه کامای بمبئی دیدم که نسخه خود را بدون هیچ گونه توضیح و تفصیلی فقط به نام تاریخ میرزا حسین طهرانی (نه همدانی) در پشت صفحه اول نامیده و از چنین اوضاع و احوال ی که گلپایگانی نوشته ابداً ذکر نکرده است. پس تاریخ جدیدی که ملخص کتاب تاریخ قدیم و بی‌نام و نشان موجود در دست بایبه بود، مانند اصل آن به مؤلف ثابتی نسبت داده نمی‌شد و مساعی میرزا ابوالفضل بعدها آن را صاحب اسم مؤلفی کرد که برای او حقی جز اجرای طرح نگارش خویش و دستور مانکجی در این معرفی قائل نشده بود و قرینه ارتباط مستقیم این عمل با شخص گلپایگانی در قسمتی که از مناظره ایام محبس میرزا ابوالفضل به

اسم و رسم ثبت کرده است به چشم می‌رسد. در دو نسخه کوچک و بزرگ دیگری که از متن قدیمی اصل تاریخ بایه دیده و سنجیده‌ام ابتدا نام و نشانی از مؤلف آن در میان نیست و نسخه نسبتاً کامل‌تر، درست بر منوال همین متنی می‌باشد که پرفسور برون از روی نسخه اول گئینو چاپ کرده است، با این تفاوت که رساله نقطه‌ی الکاف یا قسمت اول مقدمه اول کتاب را ندارد. بنا بر این پرفسور برون با انتشار این متن برای آن نام مؤلف و عنوان خاصی در مقدمه خود فراهم آورد و اینک شصت و پنج سال است که جز به این عنوان جدید و آن مؤلف منسوب شناخته نمی‌شود و تاکنون کسی در صدد بر نیامده راجع به این موضوع، از نظر فن کتابشناسی، تحقیقی به عمل آورد بلکه همگان به صحت این ادعای برون تسلیم شده‌اند و آنگاه درباره‌ی مقدمه برون یا برخی از مطالب محتوای آن اظهار نظری کرده‌اند. برون پیش از انتشار این اثر، دو کتاب تاریخی دیگر بایان و بهایان را به زبان انگلیسی ترجمه و چاپ کرده بود. یکی مقاله سیاح که همزمان با تاریخ تلخیص نبیل قاینی از طرف عبدالبهاء عباس افندی ملقب به عبدالبهاء در تلخیص و تنظیم مطالب همان تاریخ جدید تهیه و تنظیم گردیده و هنگام سفر ادوارد برون به عکا به او اهدا شده بود و دیگری ترجمه تاریخ جدید مزبور را از روی متنی که یکی از بایان در شیراز به برون اهدا کرده بود چاپ کرد و در ذیل این ترجمه متن و ترجمه رساله کوچکی را که میرزا یحیی ازل بنا به درخواست برون درباره‌ی همان وقایع نوشته بود بر ترجمه تاریخ جدید و تعلیقات آن افزوده است. در تعقیب انتشار این ترجمه‌ها و متن مقاله سیاح، برون در صدد بود تاریخ حاجی میرزا جانی را که تاریخ جدید از روی آن تلخیص شده و وی در خلال این کتاب به نام آن آشنایی یافته بود به دست آورد و چاپ کند. تا آنکه هنگام مراجعه به کتابهای خریداری کتابخانه ملی پاریس از ترکه کونت گوینو وزیر مختار فرانسه ما بین سالهای ۱۲۷۱ - ۱۲۷۴ در طهران، به دو نسخه خطی برخورد که یکی مشتمل بر بیان فارسی به ضمیمه رساله‌ای بود که نویسنده مجموعه در آخرش نوشته بود که به دستور وزیری در ۱۲۷۹ هجری نوشته است. این رساله که مؤلف گمنام آن چنین تصریح می‌کند «چون که در ابتدای این کتاب ذکر مقام نقطه بسیار گردید و اصل نوشتن این رساله در باب توحید و ذکر مبدأ و معاد که اصل دین می‌باشد نوشته می‌شود لهذا نام این کتاب را نقطه‌ی الکاف نمودم.» مؤلف در مورد دیگری از همین رساله موسوم به نقطه‌ی الکاف تاریخ تألیف رساله را صریحاً یکهزار و دوست و شصت و هفت هجری می‌شود و در صورتی که فاصله بعثت را از هجرت به روایت دیگری سیزده سال بدانیم، سال تألیف آن ۱۲۶۴ می‌شود. طرز اختتام این رساله در نسخه کتابخانه پاریس که مشتمل بر بیان باب هم هست ابتدا نقصی و افتادگی نشان نمی‌دهد بلکه نشان می‌دهد که اصل رساله از این مقدار تجاوز نمی‌کرده است. نسخه دوم که به همین رساله معهود آغاز می‌شود ولی بعد از آنکه به جمله پایان آن نسخه مستقل می‌رسد، بدون مناسبت، مطلب رساله را در متن معهود طوری دنبال می‌کند که این ناسازگاری عبارات پیش و پس برای کسی که قادر به تشخیص اختلاف اسلوب انشاء و تغییر سیاق مطلب نباشد به زحمت آشکار می‌گردد. عجب است که مؤلف رساله نقطه‌ی الکاف پس از تصریح به منظور خود از تألیف این رساله، در پایان در آمد کتاب می‌نویسد: «که اول، اسماء و صفات الله می‌باشد بعد، ذکر توحید و نبوت و ولایت و شیعیان در خطبه شده است و ان شاء الله تعالی تفصیل خطبه را ذکر خواهیم نمود و در یک مقدمه و چهار باب مذکور می‌شود.» چنانکه ملاحظه می‌شود در اینجا ابتدا براعت استهلال یا اشاره‌ای به ذکر تاریخ امری وارد نیست و دنباله نقطه‌ی الکاف در نسخه کامل به صورت و کیفیت دیگری امتداد می‌یابد. در آنجا که می‌خواهد زمینه‌ای برای ظهور دعوت جدید فراهم آورد می‌نویسد «و الحال که هزار و دوست و هفتاد سال از هجرت رسول الله گذشته...» بدیهیست جمع میان این تاریخ با تاریخی که در آن رساله نقطه‌ی الکاف تألیف شده میسر نیست و حداقل سه سال و حداکثر هفت سال تفاوت زمانی دارد. پرفسور برون مشتاق یافتن تاریخی بوده که تاریخ جدید از روی آن اقتباس و تلخیص شده بود و همین که در پاریس بدین نسخه بی‌نام و نشان پاریس دست می‌یابد آن را همان کتاب منظور خود پنداشته و بی آنکه بر نسخه کامل نامی یا اشاره‌ای دال بر اسم کتاب و نام مؤلف بنگرد به اعتبار شباهت حوادث تاریخ جدید با وقایع کتاب نو یافته همین را تاریخ حاجی میرزا جانی مطلوب خود شمرده و از رساله مقدمه، نام نقطه‌ی الکاف را برداشته و بر آن افزوده و به

چاپ رسانیده است. ناشر از ناسازگاری دو تاریخ ۱۲۷۷ و ۱۲۷۰ در مقدمه کتاب به اختلاف موجود میان دو متن توجه نیافته بلکه آن را نوعی مسامحه عددی به حساب آورده است در صورتی که عبارات قبل و بعد به اهمیت موضوع اعداد در نزد مؤلف کتاب اشاره می‌کند. مسلم است توجه بدین که مرگ حاجی میرزا جانی در سال ۱۲۶۸ هجری رو داده بهترین قرینه است بر این که کاشانی نمی‌توانسته مؤلف کتابی باشد که در سال ۱۲۷۰ هجری تألیف شده باشد. در صورتی که ناشر کتاب عبارت «شخصی از اصحاب که به حاجی کاشانی معروف می‌باشد روایت نموده که من هم همراه بودم» از متن تاریخ را در نظر می‌گرفت از سیاق بیان مطلب استنباط می‌کرد که مؤلف تاریخ دیگری جز حاجی کاشانی بوده که کسی جز حاجی میرزا جانی نمی‌توانسته باشد. به علاوه در آنجا که سخن از توقف دو روزه باب در شهر کاشان می‌رود و در برخی نسخه‌های خطی تاریخ جدید، حاجی میرزا جانی را مهماندار او می‌نویسد در این متن تاریخ ابتدا از میزبانی مؤلف یاد نشده و مطلب را خیلی کوتاهتر از آن چیزی آورده است که تاریخ در تاریخ جدید از تاریخ حاجی میرزا جانی نقل کرده‌اند. در صفحه ۲۳۹ این عبارت که می‌گوید «حقیر مصنف کتاب یک زمانی به خدمت ایشان (میرزا یحیی ازل) رسیدم طفل خوش احوالی به نظرم آمد، بعدها جویای احوال ایشان گردیدم الخ» بعد در بیان سرگذشت میرزا یحیی ازل در راه آمل، در صفحه ۲۴۲ می‌گوید:

شخصی از اصحاب که به حاجی کاشانی معروف می‌باشد روایت نموده که من هم همراه بودم و در آن شب ازل پنهان شد... الخ» این عبارت دلالت صریح دارد که مصنف کتاب غیر از حاجی کاشانی راوی بوده و بعد از دستگیری بها و ازل و حاجی کاشانی در آمل می‌نویسد: «جناب اخوی ایشان را تعزیر شرعی نمودند... ولی جناب ازل و حاجی کاشانی را چوب نزدند، چندی حضرات در حبس بودند و بعد حضرت خداوند رؤوف مهربان، هر یک را به وسیله‌ای مستخلص نمود. بعد از آن واقعه چندی هم در حدود مازندران به سر برده و راجع به سوی بلد خود گردیدند. حاجی کاشانی گوید که من در مازندران چهار ماه قبل از اسیری و بعد از آن، شبانه روز در خدمت آن جناب بودم... الخ»، دنباله عبارت نشان می‌دهد که حاجی کاشانی ناقل حکایت است نه منصف این کتاب. منصف کتاب در ذکر ادعای ذبیح قناد و سید بصیر هندی و طی مراتب و مراحل اولیا ادعای این هندی کور موضوع داستان و سیر او در دنباله فتنه بصیر راجع به او چنین می‌نویسد: «بعد از آن به ارض کاف تشریف آورده و در منزل جناب نقطه‌ی کافی نزول اجلال فرموده نظر به آنکه در ارض نور در خدمت حضرت وحید و جناب بها مدت چهار ماه هم سرور بودند و از شراب مَحَبَّت یکدیگر سر مست و خرم در آن بساط عیشها نمودند... خلاصه نقطه کافی را گمان آن بود که مقام خودش از آن جناب عالی تر می‌باشد... خلاصه آنکه اگر چه جناب نقطه کافی بر حسب فضل ظاهری... افضل و اعلم بود... به کلی در حضرت فانی گردیده... با وجود آنکه فتنه ایشان در نهایت شدید بوده مع هذا جناب نقطه‌ی کافی یعون الله استقامت در مَحَبَّت ایشان نمود.» برون که در مقدمه خود بر این کتاب چاپ شده نقطه کاف را که در رساله نقطه‌ی الکاف منضم به دیباچه تاریخ مورد بحث ذکر شده رمز بیانی اسم حاجی میرزا جانی کاشانی می‌داند، در این مورد از کتاب تاریخ که این نام رمزی در برخورد با سید کور هندی معروف به بصیر تکرار می‌شود نتوانست به شخصیت نقطه کافی پی ببرد و در فهرست اسماء الرجال آخر کتاب مقابل نقطه کافی علامت (؟) نهاده است در صورتی که ارض کاف را در همان فهرست، کاشان شمرده است. تصور می‌کنم قید کلمه جناب در جلو نقطه کافی بهترین دلیل باشد که نویسنده تاریخ، دیگری جز حاجی میرزا جانی نقطه کاف بوده است. مصنف کتاب در دنبال همین فتنه سید اعمی اشاره‌ای به صدور مکتوبی از سید باب درباره‌ی حادثه بصیر می‌کند و می‌نویسد: «همین که این توفیق صادر گردید اختلاف در بین اصحاب به هم رسیده خصوصاً در ارض صاد جمعی تصدیق نموده و قلیلی محتجب مانده و مدت شش ماه این اختلاف باقی بوده بعد رفع گردید.» سیاق نقل مطلب نشان دهنده این نکته است که مصنف کتاب چون اصفهانی بود از تأثیر حادثه در آن شهر سخن می‌گوید و به هر صورت تصنیف این تاریخ از حاجی میرزا جانی کاشانی با نقطه‌ی کافی رساله‌ی نقطه‌ی الکاف نبوده است. پرفسور برون تنها به دلالت تاریخ جدید طالب دیدن تاریخ حاجی میرزا جانی بوده همین که در کتابخانه ملی



پاریس به نسخه‌ای بی‌نام و نشان با دیباچه و متن ناسازگار دست یافته آن را تاریخ حاجی میرزا جانی مورد نظر پنداشته است و بیش از انتشار آن چنانکه خود می‌گوید با میرزا یحیی ازل که در قبرس تحت الحمایه بریتانیا می‌زیست راجع به کیفیت این کتاب مشورت می‌کند و ازل هم به طور غیر صریح بدو جواب می‌دهد «که به قراین باید از حاجی مرفوع شهید بوده، غیر از او کسی تاریخ نوشته، دیگری در بغداد خیال نوشتن داشت و لابد نام حقیر در آن میان نوشته می‌شد، بعضی مانع او شدند. حاجی محمد رضا نام از این قبیل اشخاص در این امر بوده‌اند...» عبارت نشان می‌دهد که صبح ازل با کیفیت محتویات تاریخ نو یافته و مظنون به تألیف حاجی میرزا جانی هنوز درست مانوس نبوده بلکه ذهن او پس از چهل سال گذشت روزگار ناگهان متوجه به عمل حاجی محمد رضا نامی از اصفهانیان مقیم بغداد شده است که در سال ۱۲۷۰ همراه تبعیدی‌های ایران به بغداد رفته بود و می‌خواست تاریخی بنویسد. وقتی کتاب تاریخ مجهول کتابخانه پاریس در ۱۳۲۸ به نام نقطه‌ی الکاف با آن مقدمه کذایی منتشر شد و در اختیار همگان قرار گرفت میرزا یحیی که هنوز مقیم بندر ماغوسه و در قید حیات بود و مقدمه کتاب هم به طرفداری از او تنظیم یافته بود راجع به اصل کتاب دیگر اظهار نظری مثبت یا منفی نکرد. ولی برادرزاده‌اش عبدالبهاء که بر برادران خویش غلبه کرده بود موضوع این کتاب تازه چاپ گویی در نظر او خالی از غرابت نیامده و به میرزا حسن ادیب طالقانی که یکی از ایادی امری او بود دستور می‌دهد در حدود نظنز و طرق و طار ممکن است نسخه‌ای از این کتاب بتوان یافت و از او بخواهد کسی را مأمور سفر برای خرید یا استتخا کند. این اقدام طالقانی بی نتیجه ماند. زیرا نسخه‌ای از تاریخ معهود که پیش سید بنایی از مردم طرق و طار وجود داشت صاحب آن بی آنکه به نام آن آشنا باشد حاضر نشد با هیچ قیمتی به دست دیگری بسپارد و در نتیجه، اقدام ادیب که به وسیله یکی از دوستان اردستانی او به مرحله اجرا در آمد بی نتیجه ماند. عبدالبهاء که خود در اصالت وجود چنین نسخه‌ای گویی اطمینان خاطر نداشت بعد از آن میرزا ابوالفضل گلپایگانی را که سلسله جنبان واقعی تألیف تاریخ جدید از روی تاریخ گمنام قدیم و عبارات مقدمه کتاب تازه چاپ و برخی مطالب دیگر آن نماینده میزان دخالت و تصرف او در این اثری بوده که برون را به فکر تاریخ حاجی میرزا جانی افکنده و چنین متنی را به چاپ رسانیده بود بر آن گماشت که بر مقدمه فارسی کتاب ردی بنویسد. میرزا ابوالفضل کتاب تألیف کَشْفُ الْعِطَا را بنیاد نهاد و در ضمن تدوین و چاپ آن خود مرد و کار را ناقص گذارد و دیگری آن را تعقیب کرد تا آنکه کتاب در عشق آباد مقارن زمان ورود قشون انگلیس به فلسطین از چاپ ممتاز با صحافی فرنگی در تعداد قابل ملاحظه‌ای بیرون آمده بود. گویی مصلحت تازه چنین اقتضا کرد که دستور سوختن آن از عکا صادر شود و هزارها نسخه چاپی از کَشْفُ الْعِطَا در یک روز نابود گشت. چند نسخه‌ای که در عشق آباد به دست برخی افراد مهاجر رسیده و از خطر سوختن جان به در برده بود بعدها با مهاجرین عشق آباد به ایران رسید. مرگ میرزا ابوالفضل که طراح اصلی تاریخ جدید بود مسلم است که مانع بزرگی در راه انجام هدف بانی تألیف کَشْفُ الْعِطَا گذارد و به فرض این که او هم نمی‌مرد و کتاب را به نحو دل خواهی تدوین می‌کرد به طور قطع معلوم نبود که از عهده سلب تأثیر عمل غافلگیرانه برون بر می‌آید. اخیراً آقای حسن بالیوزی بوشهری از گویندگان سابق بخش فارسی بی‌بی‌سی لندن کتابی به نام «برون و بهایی‌ها» در لندن به زبان انگلیسی نوشته و در آن راجع به انتشار الکاف نکته‌ای را ذکر کرده است. بالیوزی می‌نویسد که عبدالبهاء، در لوحی یا نامه‌ای که به یکی از ایادی امر می‌نویسد از این کتاب چنین یاد می‌کند «که حاجی میرزا جانی فصلی چند که به طور اختصار در تاریخ این آیین نوشته بود در تصرف آقا محمد رضا برادر زاده ذبیح بود و احتمال می‌رفت که آنها به خط دست خود حاجی میرزا جانی باشد.» با مقایسه مدلول این مکتوب یا لوح با نامه جوایبه عموی او، ازل، که قبل از تحریر این مکتوب در مقدمه نقطه‌ی الکاف نوظهور به چاپ رسیده بود، می‌توان دریافت که وجود چنین اثری برای عمو و برادر زاده که هر دو در سال ۱۲۷۰ هجری در بغداد می‌زیسته‌اند و شاهد فعالیت‌های همفکران و هم عقیده‌های دیگر خود بوده‌اند قدری دور از قبول کامل ذهن بوده است و دل هر دو می‌خواست است که آن را به حاجی محمد رضا یا آقا محمد رضا نامی مربوط سازند با این تفاوت که صبح ازل حاجی محمد رضا را تاجر اصفهانی و عبدالبهاء

آقا محمد رضا را برادرزاده ذبیح معرفی می‌کند ولی معلوم نمی‌دارد که او برادرزاده حاجی اسمعیل ذبیح کاشانی برادر حاجی میرزا جانی است و یا برادرزاده سید اسمعیل ذبیح اصفهانی بوده که در بغداد کشته شد و برادر زاده‌ای هم با خود در آنجا همراه نداشت. غرض، انتساب این کتاب به حاجی میرزا جانی به طور مسلم نتیجه استنباط و فعالیت تبلیغاتی پرفسور ادوارد برون بوده و طرفین دعوی جانشینی باب در موقع انتشارش با اطمینان خاطر این نسبت را تلقی نمی‌کرده‌اند. این که پرفسور برون انتقال نسخه کامل را از ایران به فرانسه در سال ۱۲۷۹ هجری نوشته روی خود نسخه چنین تاریخی دیده نمی‌شود بلکه تاریخ تحریر رساله نقطه‌ی الکاف که ضمیمه بیان فارسی در کتابخانه ملی پاریس است سال ۱۲۷۹ می‌باشد. از طرف دیگر معلوم نیست که این نسخه‌ها در چه تاریخی بدست گوینو در تهران یا پاریس رسیده است چه در کتاب «فلسفه و مذاهب» از آنها یاد نمی‌کند. پس تصور این که او در سال ۱۲۷۴ هنگام خاتمه مأموریت تهران این یک نسخه بازمانده از نسخه‌های حاجی میرزا جانی را به اروپا برده باشد قدری دور از قبول نظر تحقیق می‌رسد. بر خلاف آنچه تصور می‌شد نسخه‌های این کتاب تاریخی که به خط یا صواب منسوب به حاجی میرزا جانی شده با وجود تلخیص و حذف برخی مطالب که با حسن ارتباط سیاسی با قاجاریه و مقاصد خاصی سازگار نبوده است کاملاً از میان نرفته بلکه نسخه‌هایی از آن باقی مانده بود: نسخه نطنز که بعدها در ۱۳۰۰ شمسی به طهران منتقل شده بود و پنجاه سال پیش به دست حاجی محمد حسین فتحی تاجر اصفهانی افتاده بود و نتوانست به وعده خود وفا کند و آن را برای مطابقه با نسخه چاپی در اختیار من قرار دهد. نسخه دیگری که دکتر سعید خان کردستانی در کتابخانه خصوصی خود داشت گویا مورد تصرف قلم صاحبه نظری قبل از انتقالش به دکتر قرا گرفته بود و به عقیده مالکش این نسخه نسبت به متن چاپی پرفسور برون مزیتی نداشت. متأسفانه در سال ۱۳۱۵ شمسی که دکتر سعید خان مدتی طولانی در بستر بیماری افتاده بود نوکر آشوری او که از روی فهرست دستی دکتر به رموز دال بر اهمیت نسخه‌های خطی کتابخانه او پی برده بود همه نسخه‌های ممتاز را ربود و از طهران گریخت و دیگر اثری از او بدست نیامد و از جمله کتاب تاریخ بایه خطی که دکتر بر آن نام حاجی میرزا جانی را نوشته بود به سرقت رفت. یکی از فضلالی کرمانی که چند نسخه از تاریخ جدید در اختیار دارد چند سال پیش آنها را بر من عرضه داشت. در میان آنها به قسمتی از اصل این تاریخ که فعلاً به حاجی میرزا جانی منسوب شده است پی بردم که در بعضی موارد قدری ملخص‌تر بود ولی از نام تألیف و مؤلف نشانی نداشت و قسمت اول وقایع آن افتاده بود. چند سال پیش یکی از آقایان نطنزی مقیم طهران نسخه‌ای از این کتاب را که یافته بود بر من عرضه داشت. در میان آنها به قسمتی از اصل این تاریخ که فعلاً به حاجی میرزا جانی منسوب شده است پی بردم که در بعضی موارد قدری ملخص‌تر بود ولی از نام تألیف و مؤلف نشانی نداشت و قسمت اول وقایع آن افتاده بود. چند سال پیش یکی از آقایان نطنزی مقیم طهران نسخه‌ای از این کتاب را که یافته بود بر من عرضه کرد و صاحبش آن را هنگام نشر کتاب با نسخه چاپ برون مطابقه کرده بود. این نسخه از روی نسخه دیگری در اوایل صده چهاردهم هجری نوشته شده بود که چیزی از اول آن افتادگی داشت و با توقیعی در صفحه ۸۷ نسخه چاپی آغاز می‌شد ولی ناسخ این نسخه به نقصان قبلی اصل پی نبرده و آن را به صورت کامل در تحریر خود آغاز کرده بود. میرزا ابوالفضل می‌گوید به او جواب دادم که تاریخی از حاجی میرزا جانی کاشانی در دست احباب هست. این کتاب را به دست آور و وقایع را از آن و تاریخ سنین را از ناسخ التواریخ روضه الصفا نقل نما سپس میرزا ابوالفضل می‌افزاید که مانکجی نگذاشت که میرزا حسین آن تاریخ را بدان گونه که گلپایگانی گفته بود بنویسد. میرزا ابوالفضل به طور کلی با این معرفی و بیان کیفیت تألیف کتاب اعتبار را از روی نسخه‌های تاریخ جدید که در دست مردم است بر می‌دارد و می‌گوید تنها نسخه‌ای از آن قابل اعتبار است که به خط مؤلف باشد و در این مورد هم خود فراموش می‌کند که قبلاً شخص مؤلف را همچون آلتی بی‌اراده در دست مانکجی زردتی معرفی کرده است. از این قسمت می‌توان دریافت که میرزا حسین همدانی گمنام، به فرض قبول اظهارات میرزا ابوالفضل، قبلاً از وجود تاریخی به نام حاجی میرزا جانی کاشانی بی‌خبر بوده و این داعی گلپایگانی بوده که او را به وجود چنین اثری دلالت کرده است. در این صورت لازم می‌آمده که

مؤلف تاریخ جدید در مقدمه کتاب خود از این بابت اشاره‌ای در میان آورد و با آنکه مانکجی در پشت نسخه‌ای که از آن برای خود فراهم آورده بود و فعلاً جزو کتابهای دیگرش در بمبئی موجود است و عکسهایی از آن در طهران یافت می‌شود، از آن توصیفی مناسب بکند در صورتی که ابتدا به ارتباط خود با مؤلف و موضوع تألیف کوچکترین اشاره‌ای ندارد و در پشت نسخه ملکی خویش تنها نام «تاریخ میرزا حسین طهرانی» نوشته است که شبهه همدانی بودن مؤلف را هم ضعیف می‌سازد. چون منظور از طرح این بحث فقط پژوهشی در مورد کتاب نقطه‌ی الکاف چاپ برون بود، از عطف توجه به تاریخ جدید و ضمائم و حواشی آن که خود موضوعی قابل بحث بیشتر است صرف نظر می‌کند و اینک به تلخیص اصل موضوع می‌پردازد. از آنچه به طور مجمل گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

- ۱ - نسخه اصلی که اساس چاپ پرفسور برون قرار گرفته ابتدا دارای اسم مؤلف و عنوان تألیف و تاریخ تحریر و تاریخ انتقال به پاریس نیست.
- ۲ - رساله‌ای که در دنباله بیان نوشته شده و تاریخ تحریر ۱۲۷۹ دارد بنا بدانچه در متن رساله معهود است نامش نقطه‌ی الکاف و موضوعش کلامیست نه تاریخی.
- ۳ - اتصال این رساله به تاریخ قدیم بایه در ضمن تحریر نسخه دوم صورت تحریر یافته و کاتب بدون توجه به نقطه ارتباط و اتصال و انفصال آنها را به هم پیوسته است.
- ۴ - تاریخ تألیف رساله نقطه‌ی الکاف ۱۲۶۴ یا ۱۲۶۷ و تاریخ تألیف مقدمه تاریخ قدیم ۱۲۷۰ هجریست.
- ۵ - در تاریخ ۱۲۷۰ هجری که سال تألیف تاریخ است حاجی میرزا جانی کاشانی در حیات نبوده بلکه دو سال از مرگ او می‌گذشته است.
- ۶ - در متن کتاب چیزی که دلالت بر رابطه میان حاجی میرزا جانی و کتاب باشد به چشم نمی‌رسد به خصوص که در حوادث مربوط به قلعه طبرسی حاجی کاشانی را از راویان خبر معرفی می‌کند.
- ۷ - دو نفر از قدمای بایه که موقع انتشار کتاب از طرف پرفسور برون، هنوز در قید حیات و پیشوای دو دسته مخالف یکدیگر بودند و هنگام تبعید دسته جمعی از ایران به بغداد و اقامت در آن شهر میان بایان واجد شخصیت بوده‌اند تقریباً خود را با چنین اثری مأنوس نشان نداده‌اند.
- ۸ - کسی که در بغداد به سال ۱۲۷۰ کتاب تاریخ نوشته محمد رضا نام اصفهانی بود نه حاجی میرزا جانی که سرنوشت کتاب او درست شناخته نیست.
- ۹ - کسی که نام تاریخ حاجی میرزا جانی را نخستین بار بر زبان مؤلف تاریخ جدید نهاده میرزا ابوالفضل گلپایگانی بوده که اثر فکر و قلم او در تاریخ جدید به چشم می‌رسد.
- ۱۰ - در آثار مختلف مانکجی هاترایا چیزی که دخالت او را در کار تدوین تاریخ جدید بنماید دیده نمی‌شود.
- ۱۱ - کتاب تاریخ قدیم بایه که در هیچ موردی با اسم مؤلف همراه نبوده بر خلاف تصور پرفسور برون هرگز از میان نرفته بود و تاکنون بر وجود چهار نسخه از آن پی برده‌ایم. که دو نسخه آن هنوز در طهران پیش افراد کتابدوستی وجود دارد.
- ۱۲ - نسبت این کتاب به حاجی میرزا جانی در این صورت تلفیقی، کار پرفسور برون بوده است.
- ۱۳ - نقطه‌ی الکاف نام رساله‌ای در موضوعات کلامی بوده است که به سبب غیر معلومی به اول کتاب تاریخ بی‌نام بایه ملحق شده است.

۱۴ - تلخیص تاریخ بایه گمنام به صورت تاریخ جدید قبل از تفرقه بایان به دو دسته ازلی و بهایی صورت گرفته و در نسخه‌های متعدد از آن که دست تصرف جدیدی در آنها به کار نرفته از هر دو برادر نوری یعنی میرزا یحیی و میرزا حسینعلی نیکو یاد می‌کند

و سبب تلخیص کتاب گویا چیز دیگری جز تصور برن بوده است.

۱۵ - عبارت مقدمه نقطه‌ی الکاف چاپی چنانکه از خود مرحوم شیخ محمد خان قزوینی شنیدم کار آن مرحوم ولی جمع آوری اسناد و مدارک مربوط کار پرفسور برون و در حقیقت عملی مشترک بوده است.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...  
ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت : ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۹۰ IR  
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

